

نقش سرمایه اجتماعی در افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

مصطفی رضانیا*

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۴/۱۲

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۸/۲۹

چکیده

سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های رشد و توسعه هر جامعه‌ای به‌شمار می‌آید. اصطلاح سرمایه اجتماعی اولین بار در اثر کلاسیک «جین جاکوب» با نام مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی در سال ۱۹۶۱ به‌کار رفته است. کاربرد این مفهوم به تدریج از دهه ۱۹۹۰ به این سو در رساله‌ها و مقالات دانشگاهی با کارهای افرادی چون جیمز کلمن، پیر بوردیو، رابرت پاتنام، و فرانسیس فوکویاما افزایش یافته است. مفهوم سرمایه اجتماعی دربرگیرنده مفاهیمی چون اعتماد، همکاری و همبستگی میان اعضای گروه یا جامعه است. می‌توان گفت اگر سرمایه فیزیکی آن چیزی است که در ساختمان، زمین یا تجهیزات مولد وجود دارد، سرمایه اجتماعی چیزی است که در روابط یا شبکه‌های خود با دیگر افراد مانند اعتماد، اعتقاد، باورها و ... داریم با این تفاوت که مالکیت سرمایه اجتماعی جمعی است و بهره‌برداری از آن حتی ممکن است به افزایش آن منجر شود. سرمایه اجتماعی با متغیرهای شناخته‌شده جامعه شناختی هم‌چون اعتماد، آگاهی، نگرانی درباره دیگران و مسائل عمومی، مشارکت در مسائل عمومی و انسجام و همبستگی گروهی و همکاری ارتباط دارد. به‌زعم فوکویاما سرمایه اجتماعی یکی از عناصر قدرت است. قدرت نرم: با پایان گرفتن جنگ سرد و تغییر در چهره سنتی قدرت، چهره جدیدی از قدرت پا به منصف ظهور نهاد که از آن با عنوان قدرت نرم یاد می‌شود. اصطلاح قدرت نرم اولین بار توسط «جوزف نای» مطرح گردید. قدرت نرم، توانایی جذب بدون اجبار مردم به طرف خود است. مشروعیت محور قدرت نرم است. اگر افراد یا ملتی اهداف کشور دیگر را مشروع بدانند، ترغیب آنان به پذیرش رهبری آن کشور بدون استفاده از تهدید و تطمیع آسان‌تر خواهد بود. مشروعیت هم‌چنین می‌تواند هزینه‌های کاربرد قدرت سخت در شرایط لازم را کاهش دهد. قدرت نرم دربرگیرنده گونه‌ها و اشکال مختلفی است که در میان آن‌ها بلاشک، نیرومندترین، مؤثرترین و نافذترین شکل قدرت نرم، قدرت اجتماعی است. براساس نظر جوزف نای، «مشروعیت» محور قدرت نرم است با این تعریف می‌توان گفت سرمایه اجتماعی از جمله موضوعات مهمی است که تأثیر به‌سزایی در افزایش قدرت نرم دارد. وضع مفهوم قدرت نرم دلالت به این معنا دارد و نشان می‌دهد که یک نظام سیاسی می‌تواند از سرمایه اجتماعی در راستای بسیج نیروها برای تحقق اهداف بهره‌برد. با عنایت به اهمیت سرمایه اجتماعی و کارکرد آن و هم‌چنین مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده قدرت نرم می‌توان پی به این نکته برد که سرمایه اجتماعی تأثیر به‌سزایی در پیشبرد قدرت نرم و افزایش آن دارد.

کلیدواژه‌ها: سرمایه اجتماعی؛ اجتماع، مشارکت، اعتماد، دموکراسی؛ انسجام؛ همبستگی؛ آگاهی؛ قدرت

نرم.

مقدمه

سرمایه اجتماعی شکل و نمونه ملموسی از یک هنجار غیر رسمی است که باعث همکاری بین دو یا چند فرد می‌شود. هنجارهای تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی می‌تواند از هنجار روابط متقابل دو دوست گرفته تا آموزه‌های پیچیده‌ای را دربرگیرند. این هنجارها باید در روابط بالفعل آدمیان به‌طور عینی مصداق بیابند. هنجار روابط متقابل به‌طور بالقوه در روابطی که با همه مردم داریم وجود دارد ولی فقط در رابطه با دوستان‌مان است که از قوه به فعل در می‌آید. سرمایه اجتماعی با متغیرهای شناخته‌شده جامعه‌شناسی هم‌چون اعتماد، آگاهی، نگرانی درباره دیگران و مسائل عمومی، مشارکت در مسائل عمومی، انسجام و همبستگی گروهی و همکاری ارتباط دارد (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۲۹).

گروه‌ها و جوامعی که از سرمایه اجتماعی برخوردارند می‌توانند به اهدافی دست یابند که بدون سرمایه اجتماعی میسر نیست. امروزه بر همگان اثبات شده است که سرمایه اجتماعی عامل مهمی در رشد و توسعه کشور محسوب می‌گردد. سرمایه اجتماعی، یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های رشد و توسعه هر جامعه‌ای به‌شمار می‌آید. مفهوم سرمایه اجتماعی دربرگیرنده مفاهیمی چون اعتماد، همکاری و همیاری میان اعضای گروه یا جامعه است. به اختصار می‌توان گفت اگر سرمایه فیزیکی آن چیزی است که در ساختمان، زمین یا تجهیزات مولد وجود دارد، سرمایه اجتماعی چیزی است که در روابط یا شبکه‌های خود با دیگر افراد داریم مانند اعتماد، باورها و ... با این تفاوت که مالکیت سرمایه اجتماعی جمعی است و بهره‌برداری از آن حتی ممکن است به افزایش آن منجر شود (آدمی، ۱۳۹۶: ۶۸). از این‌رو سرمایه اجتماعی با متغیرهای شناخته‌شده جامعه‌شناختی هم‌چون اعتماد، آگاهی، نگرانی درباره دیگران و مسائل عمومی، مشارکت در مسائل عمومی و انسجام و همبستگی گروهی و همکاری ارتباط دارد. بدیهی است با مدیریت مناسب، نظام سیاسی می‌تواند از سرمایه اجتماعی در راستای بسیج نیروها و بالا بردن سقف مقاومت جامعه و حتی تهییج آن برای تحقق اهدافش بهره برد که این عامل باعث افزایش قدرت نرم آن کشور می‌گردد.

هدف پژوهش

این تحقیق درصدد اثبات این نکته است که جمهوری اسلامی ایران دارای سرمایه اجتماعی قابل توجهی است که در افزایش قدرت نرم کشور نیز تأثیر قابل توجهی داشته است.

سؤال پژوهش

آیا جمهوری اسلامی ایران دارای سرمایه اجتماعی است؟ سرمایه اجتماعی به چه میزان در افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران تأثیر داشته است؟

فرضیه پژوهش

به توجه به عناصر تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی، مانند مشارکت عمومی، اعتماد، انسجام، می توان گفت جمهوری اسلامی ایران دارای میزان قابل قبولی از سرمایه اجتماعی است که نقش مهمی در افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران داشته است.

روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی، تحلیلی است که در گردآوری اطلاعات آن نیز از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

چارچوب مفهومی و نظری

۱. سرمایه اجتماعی:

از جمله مفاهیم مهمی که در دهه‌های اخیر در علوم اجتماعی مطرح شده است سرمایه اجتماعی می‌باشد. اندیشمندان علوم اجتماعی که در ابتدا به این موضوع پرداخته‌اند می‌توان به کارل مارکس، ماکس وبر، دورکهایم و دوتوکویل اشاره کرد. البته هیچ‌کدام از آن‌ها به صراحت به این اصطلاح اشاره ننموده‌اند. اصطلاح سرمایه اجتماعی اولین بار در اثر کلاسیک «جین جاکوب» با نام مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی در سال ۱۹۶۱ به کار رفته است او در آن‌جا توضیح داده است که شبکه‌های اجتماعی فشرده در محدوده‌های حومه قدیمی و مختلط شهری، صورتی از سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند و در ارتباط با حفظ نظافت، عدم وجود

جرم و جنایت خیابانی و دیگر تصمیمات در مورد بهبود کیفیت زندگی در مقایسه با عوامل نهادهای رسمی مانند نیروی حفاظتی پلیس و نیروهای انتظامی، مسئولیت بیشتری از خود نشان می‌دهند (آدمی، ۱۳۹۶: ۶۸). این اصطلاح به تدریج در دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی توسط جامعه‌شناسان مانند جیمز کلمن، پیروردیو، و رابرت پاتنام در جهت بیان مشکلات اجتماعی به کار برده شد و بعضی اندیشمندان سیاسی و اقتصادی نیز از آن در مسائل و موضوعات مربوط استفاده نموده‌اند. در یک تقسیم‌بندی می‌توان سرمایه اجتماعی را در قیاس با سایر انواع شناخته‌شده سرمایه تحدید معرفی کرد. سرمایه به ۴ دسته تفکیک می‌شود:

الف. سرمایه فیزیکی: که تأسیسات و سازه‌های عینی را شامل می‌شود.

ب. سرمایه مالی: که پول و انواع مختلف اوراق مالی را شامل می‌شود.

ج. سرمایه انسانی: مهارت‌ها و توانمندی‌های فردی و جمعی را دربرمی‌گیرد.

د. سرمایه اجتماعی: که ناظر بر منابع موجود در تعاملات اجتماعی برای گسترش کنش‌ها و تحصیل اهداف کنش‌گران اجتماعی است. این تلقی نزدیک به دیدگاه افرادی چون آرو است که معتقدند سرمایه اجتماعی چیزی جز تعاملات اجتماعی نیست. این سرمایه به‌طور خلاصه در شاخص‌های زیر تجلی می‌یابد: وفاداری، اعتماد، روابط شبکه‌ای، اقتدار فردی، هویت سازمانی، عمل متقابل، هنجارهای اجتماعی و اعتبار (ردادی، ۱۳۸۹: ۱۶).

کاربرد این مفهوم به تدریج از دهه ۱۹۹۰ به این سو در رساله‌ها و مقالات دانشگاهی با کارهای فردی چون جیمز کلمن، پیروردیو، رابرت پاتنام، و فرانسیس فوکویاما افزایش یافته است. استفاده از مفهوم سرمایه اجتماعی با توجه به روند جهانی شدن و تضعیف نقش دولت‌های ملی، به راه‌حلی عملی در سطح اجتماعات محلی برای مشکلات توسعه، مورد توجه سیاست‌گذاران و مسئولان سیاست اجتماعی قرار گرفته است (همان، ۶۹). در طی مدتی که از طرح مفهوم سرمایه اجتماعی گذشته است این مفهوم به سرعت توانسته است در محافل آکادمیک جای خود را باز کند و مقالات زیادی در این باره تاکنون به رشته تحریر درآمده است. این مفهوم در رشته اقتصاد، جامعه‌شناسی و حتی علوم سیاسی جایگاه خاصی دارد. می‌توان گفت سرمایه اجتماعی چیزی است که در روابط و شبکه‌های خود با دیگر افراد است مانند اعتماد، اعتقاد و باورها و... با این تفاوت که مالکیت سرمایه اجتماعی جمعی است و

بهره‌برداری از آن حتی ممکن است به افزایش آن بینجامد. سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از منابع و ذخایر ارزشمندی است که به صورت ذاتی و نهفته در روابط اجتماعی وجود دارد. برخی از این منابع ارزشمند که گاهی از آن‌ها با نام ارزش‌های اجتماعی نیز یاد می‌شود عبارتند از: صداقت، حسن تفاهم، هم‌دردی و دوستی. سرمایه اجتماعی از طریق این منابع کنش‌های کنش‌گران را در سطوح خرد، میانی، و کلان جامعه آسان، سریع و کم‌هزینه می‌سازد و بدین وسیله آنان را در رسیدن به اهداف مشترک کمک می‌کند (خدایی و مبارکی، ۱۳۸۷: ۱۲۳).

سرمایه اجتماعی با متغیرهای شناخته‌شده جامعه‌شناختی هم‌چون اعتماد، آگاهی، نگرانی درباره دیگران و مسائل عمومی، مشارکت در مسائل عمومی، و انسجام و همبستگی گروهی و همکاری ارتباط دارد (آدمی، ۱۳۹۶). به‌زعم فوکویاما سرمایه اجتماعی یکی از عناصر قدرت است منظور او از سرمایه اجتماعی نوعی قرارداد غیررسمی است که افراد جامعه را ملزم می‌سازد تا برای تحقق اهداف کلان جامعه خویش با یکدیگر همکاری کنند و موانع را از میان بردارند. بنابراین جامعه‌ای را می‌توان دارای سرمایه اجتماعی دانست که مردم آن آگاهی متقابل بالایی دارند و به یکدیگر اعتماد دارند و آمادگی بالایی برای مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی کشور خویش دارند (قربانی شیخ‌نشین و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۲). افرادی چون پاتنام نیز بر این باورند که سرمایه اجتماعی به جنبه‌ای از سازمان اجتماعی اشاره دارد که شامل اعتماد و هنجارها و شبکه‌ها می‌شوند به طوری که این موارد با تسهیل کنش‌های مشترک باعث بهبود کارایی جامعه می‌شوند.^۱ عناصر سرمایه اجتماعی از نظر پاتنام در درون تعریف او از این مفهوم قرار دارند، این عناصر عبارتند از: الزامات اخلاقی و هنجارها، ارزش‌های اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی. از نظر پاتنام سرمایه اجتماعی به مثابه هسته‌ای بنیادی است که در طی قرون متمادی در دل تاریخ یک جامعه حفظ و تقویت شده و پایه لازم را برای دستیابی آن جامعه به توسعه پایدار فراهم می‌آورد (نوری، ۱۳۹۲: ۷۶). براساس نظر پاتنام هر جا اعتماد و شبکه‌های اجتماعی شکوفا شوند، افراد، شرکت‌ها و ملت‌ها پیشرفت می‌کنند.^۲

از این‌رو از نظر وی نوع رژیم سیاسی می‌تواند عامل کاهش یا افزایش سرمایه اجتماعی باشد. او معتقد است در رژیم دموکراتیک شاهد افزایش اعتماد و سرمایه اجتماعی هستیم. اگر

1. McGonigal, 2007:2

2. Putnam, 2000:20

رژیم دموکراتیکی به وجود آید افزایش سرمایه اجتماعی نیز رخ می‌دهد به این معنی که در رژیم‌های دموکراتیک کنترل فروپاشی اجتماعی صورت می‌پذیرد و سرمایه اجتماعی رو به افزایش می‌رود. هرچه حکومت دموکراتیک‌تر باشد سرمایه اجتماعی برون‌گرویی بیشتر شده و به تبع آن مشروعیت سیاسی و قدرت نرم هم افزایش می‌یابد و این مسأله تأثیر بسیار مهم در مقابله با تهدیدات نرم نظم جهانی و تأمین امنیت ملی دارد (همان) بنابراین می‌توان چنین استنباط نمود که افزایش سرمایه اجتماعی تأثیر مستقیمی بر افزایش قدرت نرم یک کشور خواهد داشت.

عناصر تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی به شرح ذیل می‌باشد:

۱-۱. **انسجام اجتماعی:** انسجام اجتماعی قدمتی طولانی در ادبیات جامعه‌شناسی دارد. انسجام مقوله‌ای است اجتناب‌ناپذیر، سیال، نسبی و خودجوش که با هم‌فکری، همیاری و هماهنگی داوطلبانه افراد جامعه در مناسبات گوناگون فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و اقتصادی و سیاسی پیش روی افراد قرار می‌گیرد (ازکیا، ۱۳۸۰: ۲۰). انسجام اجتماعی مجموعه‌ای است از عوامل و عناصر که امکان ارتباط درونی و پیوستگی افراد یک کشور را در واکنش به مسائل مهم امنیتی، در ابعاد مختلف فراهم می‌کند و به این ترتیب استحکام و ثبات جامعه را میسر می‌سازد و از مؤلفه‌های توسعه اجتماعی به‌شمار می‌رود (همان).

۲-۱. **اعتماد اجتماعی:** مفهومی است که در فرآیند روابط اجتماعی بین افراد و سازمان‌های اجتماع با همدیگر تبلور می‌یابد. اعتماد احساس روابط اجتماعی است و رابطه مستقیم با میزان روابط اجتماعی دارند بدین صورت که هر چه میزان اعتماد اجتماعی میان افراد و گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی بیشتر باشند، به همان میزان روابط اجتماعی از شدت، تنوع، ثبات و پایداری بیشتری برخوردار است. از این رو اعتماد اجتماعی نتیجه تعاملات اجتماعی موجود و گروهی انجمن‌ها و فعالیت‌های اجتماعی است به خصوص اگر این اعتماد از حد مرزی به سطح اجتماعی انتقال یابد به‌عنوان یک سرمایه با ارزش تلقی می‌شود (نعمت‌اللهی: ۱۳۹۲، ۲۵).

۳-۱. **مشارکت اجتماعی:** مشارکت اجتماعی عبارت است از شرکت فعال و سازمان‌یافته افراد و گروه‌های اجتماعی در امور اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... جامعه است به‌گونه‌ای که حداکثر قدرت جمعی از طریق بسیج همه امکانات و قوای جمع حاصل آید و این قدرت

جمعی در راستای نیل به مصالح، علایق و منافع جهت‌گیری شود و دیگر آنکه از طریق مشارکت همه‌جانبه افراد و گروه‌های اجتماعی، پیوندها و انسجام اجتماعی استحکام یابد.

۲. قدرت نرم:

در نظریات جدید سیاسی، قدرت نقش بسیار مهمی را در میان بازیگران سیاسی ایفا می‌کند برابر برخی از نظرات اندیشمندان سیاست، موضوع علم سیاست نیز پیرامون حفظ قدرت سیاسی است. قدرت توانایی یک بازیگر در استفاده از منابع و امکانات جهت تأثیرگذاری بر رویدادهای بین‌المللی به سود خود است. بنابراین کشورها دائماً در این اندیشه‌اند تا با اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌های مناسب قدرت خود را افزایش دهند. امروزه علاوه بر قدرت سخت، بعد جدیدی به قدرت اضافه شده است که آن را قدرت نرم می‌نامند.

اصطلاح قدرت نرم اولین بار توسط «جوزف نای» مطرح گردید. در سال ۱۹۹۰ میلادی «جوزف نای» در دانشگاه هاروارد و عضو شورای روابط خارجی آمریکا اعلام نمود که در دنیای کنونی، قدرت بیشتر بر عوامل اقتصادی، آموزشی و فناوری مبتنی است و پیش‌بینی نمود که احتمالاً منابع قدرت در قرن ۲۱ تغییر خواهد یافت. همزمان با دهه پایانی قرن بیستم و به دلیل تغییر ماهیت سیاست‌های بین‌المللی اشکال ناملموس قدرت، از اهمیت بیشتری برخوردار شده و به گفته نای، قدرت در حال گذار از غنای ثروت به غنای اطلاعات است. آن‌هم نه فقط اطلاعات، بلکه پاسخ‌گویی به‌هنگام به اطلاعات جدید، که خود یک منبع مهم قدرت به‌شمار می‌آید. قدرت نرم از نظر نای شیوه جدیدی از اعمال قدرت در مقایسه با شیوه‌های سنتی است که موجب می‌شود یک کشور کاری کند تا کشورهای دیگر همان‌چیزی را بخواهند که او می‌خواهد. وی این امر را اقناع هم نامیده است. به‌عبارت دیگر قدرت نرم، توانایی جذب بدون اجبار مردم به‌طرف خود است. مشروعیت محور قدرت نرم است. اگر افراد یا ملتی اهداف کشور دیگر را مشروع بدانند، ترغیب آنان به پذیرش رهبری آن کشور بدون استفاده از تهدید و تطمیع آسان‌تر خواهد بود. مشروعیت هم‌چنین می‌تواند هزینه‌های کاربرد قدرت سخت در شرایط لازم را کاهش دهد. استفاده از ارزش‌ها، منافع، و ترجیحات دیگران می‌تواند در شرایط مشخص، جایگزین وابستگی به هویج‌ها و چماق‌ها باشد (آشنا، ۱۳۹۰: ۱۳). «نای» معتقد است وقتی همه نظر مشترک دارند و فقط بر سر چگونگی انجام کاری

بحث دارند، قدرت نرم می‌تواند مشکل را بهتر حل کرده، یک کشور را در موقعیت ممتاز قرار داده و شانس ایفا نقش مسلط را به آن بدهد. از نظر ژوزف نای قدرت نرم عبارت است از توانایی تغییر شکل دادن اولویت دیگران تا براساس آنچه ما می‌خواهیم فکر یا رفتار کنند. بنابراین قدرت نرم عمدتاً متعلق به بازیگرانی است که بدون اینکه از زور استفاده کنند، نتایج دلخواه را می‌گیرند، چون سیاست‌های آن‌ها و هم‌چنین ارزش‌های آن‌ها برای دیگران جذابیت دارد. از این‌رو اگر بازیگری موفق شود قدرت خود را در نگاه دیگران مشروع جلوه دهد و نهادهایی تأسیس کند که دیگر علایق خود را براساس ضوابط آن نهادها هماهنگ نمایند، دیگر نیازی نیست تا بازیگر مسلط به شیوه سنتی عمل نماید و برای تحقق خواست خود از نیروی نظامی یا تهدیدات سخت استفاده کند. اگر فرهنگ و ایدئولوژی بازیگر مسلط، جذابیت داشته باشد دیگران با شوق زایدالوصفی در راستای موردنظر قدرت مسلط حرکت خواهند کرد (گروه مطالعات امنیتی ۱۳۸۷: ۴۴). نای نشان داد که افزون بر بهره‌گیری از زور و قدرت سخت می‌توان از جاذبه یا قدرت نرم نیز برای تحمیل اراده خویش بر دیگران استفاده نمود (الیاسی، ۱۳۸۸: ۱۴۹). نای در بخشی دیگر، منابع قدرت نرم در سطح بین‌المللی را ارزش‌های موجود در فرهنگ، عملکردها و سیاست‌های داخلی کشورها، افکار عمومی و سازمان‌های بین‌المللی می‌داند. کنترل افکار عمومی، قدرت نفوذ در باورها و نگرش‌ها از دیگر عوامل ایجادکننده قدرت نرم است. هم‌چنین در سطح بندی قدرت نرم می‌توان گفت عنصر مردمی نقش به‌سزایی در این زمینه دارد. قدرت نرم در این سطح متأثر از فرهنگ ملی می‌باشد (ساجدی، ۱۳۸۸: ۶۰). قدرت نرم دربرگیرنده گونه‌ها و اشکال مختلفی است که در میان آن‌ها بلاشک نیرومندترین، مؤثرترین و نافذترین شکل و ساحت قدرت نرم، قدرت اجتماعی است. برتری این وجه از قدرت نرم نسبت به جنگ سخت در شرایط حال می‌باشد. کنکاشی هر چند مختصر در وقایع کشورهای آسیای مرکزی کاملاً بر کاربرد وسیع و مؤثر قدرت اجتماعی در بسیج کردن نیروهای جامعه علیه حکومت و به زیر کشیدن دولتمردان حاکم صحنه می‌گذارد (همان، ۶۹).

تئوری پرداز دیگری به نام «جفری هاینر» قدرت نرم را توانایی یک نهاد که لزوماً همیشه یک دولت نیست برای نفوذ و تأثیرگذاری بر آنچه دیگران انجام می‌دهند، از طریق تشویق و

ایجاد جذابیت می‌داند. وی معتقد است قدرت نرم شامل مجموعه‌ای از اشکال مختلف نفوذ با نمودهایی فرهنگی، ارزشی و ادراکی است که در مقابل ابزار قدرت سخت که نوعاً شامل نیروهای مسلح یا تهدید و تطمیع اقتصادی است قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر قدرت نرم توانایی به دست آوردن خواسته‌ها از طریق مجذوب کردن (به جای اجبار یا امتیاز) می‌باشد. این کار از طریق جذابیت‌های فرهنگی، ایده‌های سیاسی و سیاست‌ها صورت می‌گیرد. می‌توان گفت قدرت نرم نوعی استفاده از ابزارهای فرعی است که یک اقدام‌کننده با رضایت آن‌ها را به کار می‌گیرد. به نحوی که بدون استفاده از زور بتواند خواسته‌هایش را محقق سازد. توانایی جذب مشخصه لازم در طیف رفتاری قدرت‌های نرم است که شامل دو مؤلفه می‌شود: برنامه کاری و جذب (کلاهیچیان، ۱۳۸۷: ۱۷۳) در مجموع می‌توان چنین عنوان نمود که قدرت نرم، امپریالیسم فرهنگی و هژمونی فرهنگی سه معنای قریب و کم و بیش مشترک دارند. آنچه از فحوای سخنان اندیشمندان در توضیح این واژه برمی‌آید این است که قدرت نرم محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و خارجی، تأثیرگذاری غیرمستقیم توأم با رضایت بر دیگران، اراده دیگران را تابع خویش ساختن و مؤلفه‌هایی از این سنخ است. این نوع از قدرت دارای ویژگی‌های ریز، آرام، با دوام، پراکنده، قابل مصرف، قابل بازتولید، غالباً غیرمستقیم و خارج از کنترل دولت‌ها بوده و معمولاً در مقابل قدرت نظامی و تسلیحاتی و به عبارت دیگر قدرت سخت و خشن به کار می‌رود (ساجدی، ۱۳۸۸: ۵۷).

در شیوه مدیریت منابع قدرت نرم می‌بایست یکی از موارد زیر تحقق یابد:

- اول. احساس منافع مشترک: طرف مقابل کنش مورد نظر ما را در راستای منافع خود ببیند.
- دوم. احساس ارزش‌های مشترک: کنش مورد نظر ما متکی بر ارزش‌هایی باشد که طرف مقابل به منظور رعایت آن خود را ملزم به انجام آن بداند.
- سوم. جایگاه گروهی: با اتکاء به هنجارها و ارزش‌های گروهی بتوان طرف مقابل که با ما در یک گروه مشترک عضویت دارد را وادار کرد تا برای مشروعیت ادامه حضور خود در گروه، کنش خاصی را انجام دهد.

چهارم. الگوپردازی: ما باید بتوانیم خود را به عنوان مظهر انگاره‌های مطلوب معرفی کنیم تا

طرف مقابل را به دنبال روی از خود ترغیب کنیم.

قدرت نرم را می‌توان در دو سطح مورد استفاده قرار داد در یک سطح می‌توان قدرت نرم را معطوف به شخصیت و ویژگی‌های اعمال‌کننده قدرت به کار برد در این صورت ترجیحات طرف مقابل بر این اساس شکل می‌گیرد که همراهی و موافقت با اعمال‌کننده قدرت به معنی تأمین منافع، رعایت ارزش‌ها، تقویت جایگاه در گروه و یا رسیدن به موفقیت و برتری است در این صورت نیاز است تا با برقراری ارتباطاتی درازمدت با طرف مقابل این پنداره در او به تدریج شکل گرفته و تقویت شود اما در یک سطح نیز قدرت نرم معطوف به موارد و اهداف خاصی اعمال می‌شود. در این سطح همراهی در انجام یک کنش خاص می‌تواند تأمین‌کننده منافع طرف مقابل، نشان‌دهنده التزام او به ارزش‌ها، تقویت‌کننده جایگاه او در گروه و یا تضمین‌کننده موفقیت و برتری او تلقی شود (همان، ۱۵).

با تعاریف فوق می‌توان گفت سرمایه اجتماعی بر قدرت نرم تأثیر به‌سزایی دارد، به عبارتی سرمایه اجتماعی می‌تواند منجر به افزایش قدرت نرم شود و تأثیر قدرت نرم را افزایش دهد. اگر منابع تشکیل‌دهنده قدرت نرم را احصاء نماییم سرمایه اجتماعی یکی از منابع اصلی تقویت قدرت نرم می‌باشد. رابطه قدرت نرم و سرمایه اجتماعی رابطه‌ای عام و خاص است مانند شکل زیر:



شکل ۱. رابطه قدرت نرم و سرمایه اجتماعی

۳. نقش سرمایه اجتماعی در تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران:

با توجه به تعریف به‌عمل آمده از سرمایه اجتماعی و شاخص‌های پیشنهادی، مشخص

می‌شود که وقوع انقلاب اسلامی رخداد بزرگی به‌شمار می‌آید که به واسطه آن سرمایه ملی رشد و افزایش چشمگیری داشته است و لطمات و کاستی‌های رخ داده در اثر انقلاب به واسطه افزایش سرمایه اجتماعی تا حد زیادی جبران شده است، به همین دلیل است که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند بر بحران‌های مهمی چون جنگ تحمیلی و یا هرج و مرج‌های ناشی از تجزیه‌طلبی فائق آید (ردادی: همان، ۱۸). در مجموع می‌توان ادعا کرد که توجه به سرمایه اجتماعی از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، به‌خاطر ماهیت مردمی و ویژه انقلاب در دستور کار بوده است. در حال حاضر نیز توجه عموم دولتمردان و تحلیل‌گران به سرمایه اجتماعی بسیار جدی است علت این امر نیز به شرایط تازه منطقه‌ای و جهانی بازمی‌گردد که می‌طلبد توان ملی را از ناحیه سرمایه اجتماعی هرچه بیشتر تقویت نمود تا از این طریق ایران بتواند بر تحریم‌های اعمال شده فائق آید (همان).

۱-۳. مشارکت اجتماعی: یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مشارکت اجتماعی می‌باشد که تاثیر به‌سزایی در افزایش قدرت نرم کشور دارد. می‌توان به صراحت گفت که بدون این مؤلفه راهبردی، پیروزی انقلاب اسلامی ایران و ادامه حرکت آن میسر نبوده است. مشارکت گسترده مردم در راهپیمایی‌های اعتراض‌آمیز به حکومت پهلوی، مشارکت گسترده مردم در انتخابات که ضامن بقای جمهوری اسلامی ایران است از مهم‌ترین نمونه‌هاست. در این زمینه امام خمینی (ره) نیز مسائل بسیار مهمی را مطرح فرموده‌اند. جستجوی موردی درباره کلمه «مردم» در صحیفه امام خمینی (ره) نشان می‌دهد که حضرت امام در حدود ۹۹۶۰ مرتبه از این کلمه استفاده کرده‌اند که خود بیانگر اهمیت و نقش مردم در آراء و اندیشه‌های امام خمینی (ره) است. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «بالآخره ما مردم را لازم داریم، یعنی جمهوری اسلامی تا آخر مردم را می‌خواهد. این مردم‌اند که این جمهوری را به این‌جا رساندند و این مردم‌اند که باید این جمهوری را راه ببرند تا آخر و این شما آقایان هستید که مردم را می‌توانید، وزارتخانه‌های تان می‌تواند، ادارات تان می‌تواند راضی نگه دارد» (امام خمینی: ۱۳۷۸، ۳۶).

«ما خواهان استقرار یک جمهوری اسلامی هستیم و آن حکومتی است متکی بر آرای عمومی، شکل نهایی حکومت با توجه به شرایط و مقتضیات کنونی جامعه ما، توسط خود مردم تعیین خواهد شد» (همان، ۲۴۸).

الف. انتخابات:

از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران تاکنون ۱۳ انتخابات ریاست جمهوری، ۱۱ انتخابات مجلس، ۵ انتخابات شورای شهر برگزاری شده است که اولین آن، همه‌پرسی آری یا نه به جمهوری اسلامی ایران در ۱۰ فروردین سال ۱۳۵۹ بود که با مشارکت ۹۸/۲ درصد مردم برگزار شد. حضور گسترده مردم در این انتخابات و رأی مثبت به جمهوری اسلامی ایران از نقاط برجسته این انتخابات بود.

برگزاری ۱۳ دوره انتخابات ریاست جمهوری و ۱۱ دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی با مشارکت مردم از مهم‌ترین نمونه‌های مشارکت مردم به‌شمار می‌رود. میانگین حضور و مشارکت مردم در ۳۴ انتخابات، حدود ۶۷/۷ درصد بوده و این میزان مشارکت در دنیا کم‌نظیر است (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۶).

جدول ۱. میانگین حضور مردم در انتخابات ریاست جمهوری

نام دوره	تاریخ برگزاری	درصد مشارکت مردم
دوره اول	۱۳۵۸/۱۱/۵	۶۹/۸۶
دوره دوم	۱۳۶۰/۲/۵	۶۴/۲۴
دوره سوم	۱۳۶۰/۷/۱۰	۷۴/۲۶
دوره چهارم	۱۳۶۴/۵/۲۵	۵۴/۷۸
دوره پنجم	۱۳۶۸/۵/۶	۵۴/۵۹
دوره ششم	۱۳۷۲/۳/۲۱	۵۰/۶۶
دوره هفتم	۱۳۷۶/۳/۲	۷۹/۹۲
دوره هشتم	۱۳۸۰/۳/۱۸	۶۷/۷۷
دوره نهم (مرحله اول)	۱۳۸۴/۳/۲۷	۶۲/۶۶
دوره نهم (مرحله دوم)	۱۳۸۴/۴/۳	۵۹/۸۲
دوره دهم	۱۳۸۸/۳/۲۲	۸۵
دوره یازدهم	۱۳۹۲/۳/۲۴	۷۲/۷
دوره دوازدهم	۱۳۹۶/۲/۲۹	۷۳/۷
دوره سیزدهم	۱۴۰۰/۳/۲۸	۴۸/۸
میانگین		۷۰ درصد

جدول ۲. میانگین حضور مردم در انتخابات مجلس شورای اسلامی

نام دوره	تاریخ برگزاری	درصد مشارکت مردم
دوره اول	۱۳۵۸/۵/۲۴	۵۲/۱۴
دوره دوم	۱۳۶۳/۱/۲۷	۶۴/۶۴
دوره سوم	۱۳۶۷/۱/۱۹	۵۹/۷۲
دوره چهارم	۱۳۷۱/۱/۲۱	۵۷/۸۱
دوره پنجم	۱۳۷۴/۱۲/۱۸	۷۱/۱۰
دوره ششم	۱۳۷۸/۱۱/۲۹	۶۹
دوره هفتم	۱۳۸۲/۱۲/۱	۵۹/۵۷
دوره هشتم	۱۳۸۶/۱۲/۲۴	۵۱
دوره نهم	۱۳۹۰/۱۲/۱۲	۶۴/۰۲
دوره دهم	۱۳۹۴/۱۲/۷	۶۱/۸۳
دوره یازدهم	۱۳۹۸/۱۲/۲	۴۲/۵۷
میانگین ۱۱ دوره		۵۹/۴

جدول ۳. میانگین حضور مردم در انتخابات مجلس خبرگان رهبری

نام دوره	تاریخ برگزاری	درصد مشارکت مردم
دوره اول	۱۳۶۱/۹/۱۹	۷۷/۳۸
دوره دوم	۱۳۶۹/۷/۱۶	۴۱
دوره سوم	۱۳۷۷/۱۲/۴	۴۶
دوره چهارم	۱۳۸۵/۹/۲۴	۶۰
دوره پنجم	۱۳۹۶/۱۲/۲۲	۶۲
میانگین ۵ دوره		۵۷/۲۶

ب. راهپیمایی‌ها:

از دیگر نمونه‌های مهم مشارکت مردم می‌توان به حضور پر شور مردم در راهپیمایی‌های ۲۲ بهمن اشاره کرد. هر ساله با فرارسیدن سالروز پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران، مردم در این راهپیمایی در اقصی نقاط ایران شرکت می‌کنند که به‌منزله تأیید حرکت انقلاب

اسلامی می‌باشد و توسط رسانه‌های خارجی دنیا مشارکت مردم به دقت مدنظر قرار می‌گیرد و اخبار حضور مردم توسط رسانه‌ها انعکاس می‌یابد. خبرگزاری رویترز، سی‌ان‌ان، بی‌بی‌سی از جمله خبرگزاری‌هایی هستند که هر سال اخبار این راهپیمایی را منتشر می‌نمایند. به‌طور کلی از ابتدای پیروزی انقلاب تاکنون در اکثر شهرستان‌ها در ۳۱ استان کشور هر ساله راهپیمایی سالگرد پیروزی انقلاب به‌صورت با شکوهی برگزار شده است.

۲-۳. انسجام اجتماعی: از دیگر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در کشور ایران، انسجام اجتماعی است. انسجام اجتماعی موجب واکنش مردم نسبت به پدیده‌های امنیتی می‌گردد. انسجام اجتماعی به‌معنای آن است که گروه وحدت خود را حفظ کرده و با عناصر وحدت‌بخش خود تطابق و هم‌نوایی داشته باشد. همبستگی و انسجام احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه است که از آگاهی و اراده برخوردار باشند و حائز یک معنای اخلاقی است که متضمن وجود اندیشه یک وظیفه یا الزام متقابل است و نیز یک معنای مثبت از آن برمی‌آید که وابستگی متقابل کارکردها، اجزا یا موجودات در یک کل ساخت یافته را می‌رساند.

مفاهیم هم‌نوایی و هم‌رنگی نیز در ارتباط با مفهوم اجتماعی باید مورد دقت قرار گیرد. به‌نظر می‌رسد جدایی آشکار بین وفاق اجتماعی و همبستگی و انسجام اجتماعی از یک‌سو و بین وفاق اجتماعی و نظم اجتماعی از یک‌سو، و از سوی دیگر این مفاهیم وفاق اجتماعی محسوب نمی‌شود به‌گونه‌ای که مفاهیم اخیر نزدیکی بسیار زیادی دارند، به اندازه‌ای که در برخی موارد یکسان هستند. هم‌نوایی و هم‌رنگی ملاحظه فرد با گروه عبارت است از اینکه فرد باورها، ارزش‌ها، نمادها و هنجارهای گروه، یعنی فرهنگ گروه را درونی کرده و در ساخت شخصیت خود یگانگی بخشیده باشند. هم‌نوایی یعنی استاندارد شدن و یکسان شدن رفتار. هم‌نوایی با تطابق با محیط اجتماعی تفاوت دارد، چون در تطابق درجه‌ای از هم‌نوایی با درجه‌ای از تفاوت قابل تحمل توسط گروه همراه و فرد تا اندازه‌ای خودمختار است (روشه‌گی، ۱۳۷۰: ۱۸۵).

از نمونه‌های بارز انسجام اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران می‌توان به موارد مختلفی اشاره کرد که مردم با وقوع بحران‌های مختلف، از گروه‌ها و سلیقه‌های مختلف در میدان حضور یافتند به‌عنوان مثال در جریان وقوع انقلاب اسلامی شاهد انسجام اجتماعی گسترده در

میان آحاد مردم می‌باشیم. مردم از طیف‌های مختلف، دانشجویان، کارمندان، بازاریان، اصناف و... بر علیه رژیم مستبد شاهنشاهی واکنش‌های متعددی نشان دادند. مطالعه تاریخ انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که اگر انسجام اجتماعی وجود نداشت پیروزی انقلاب نیز میسر نمی‌گردید. حتی در زندان‌های رژیم پهلوی نیز می‌توان عقاید و سلیقه‌های مختلفی را مشاهده کرد که در واکنش به جنایت‌های حکومت پهلوی به زندان افتاده بودند پس از انقلاب اسلامی نیز مهم‌ترین نمونه‌های انسجام اجتماعی را می‌توان در جنگ تحمیلی مشاهده کرد. به‌گونه‌ای که از همه قومیت‌ها و طوایف مختلف، داوطلبانه در جنگ شرکت کردند. در میان شهدای جنگ تحمیلی نیز می‌توان به شهدای مسیحی و زرتشتی اشاره نمود. مشارکت ارمنیان در جنگ ایران و عراق منحصر به جانبازی رزمندگان و از خودگذشتگی جوانان ارمنی نبوده است.

از دیگر نمونه‌های انسجام و همبستگی اجتماعی می‌توان به بسیج اشاره نمود. این سازمان در گذشته با نام نیروی مقاومت بسیج شناخته می‌شد، در ۵ آذر ۱۳۵۸ به فرمان حضرت امام خمینی (ره) تشکیل شد و پس از تصویب مجلس شورای اسلامی در دی ۱۳۵۹ به‌طور قانونی رسمیت پیدا کرد و به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تعلق گرفت. در جنگ ایران و عراق از بسیجیان بیشتر برای کمک به صورت داوطلبانه و سازماندهی شده به جبهه‌ها استفاده می‌شد. بسیج نیروی انسانی پیوسته یک منبع مهم تولید قدرت می‌باشد و از مصادیق بارز سرمایه اجتماعی می‌باشد که تبلور مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی و اعتماد در آن دیده می‌شود و همدلی، و تفاهم و وحدت در آن موج می‌زند. در میان مصادیق سرمایه اجتماعی بسیج از این نظر اهمیت به‌سزایی دارد که در برهه جنگ تحمیلی و پس از آن توانسته است تا با حضور پررنگ مردم، تهدیدات متعددی را از کشور دور نماید که نظیر آن را نمی‌توان در هیچ کشوری مشاهده نمود.

۳-۳. اعتماد اجتماعی: طبق دیدگاه محققان حکومت‌ها به‌تنهایی نمی‌توانند حکومت کنند بلکه برای اداره امور خود به دیگران متکی می‌باشند به همین دلیل بیش از پیش مشخص شده است که تنها، بخشی از فعالیت‌های مختلف مربوط زندگی شهری از ابعاد مختلف توسط فرآیندها و روابط رسمی تعیین می‌گردد. فرآیندهای تولید، مبادله، تصمیم‌گیری و اداره کردن بعضاً از طریق فرآیندها و روابط غیررسمی تحقق می‌یابد و بنابراین دو گروه از فرآیندهای

رسمی و غیررسمی دائماً در کنش و واکنش متقابل‌اند و عامل اصلی در تداوم این کنش و واکنش‌ها اعتماد اجتماعی است. در بستر تعاملات و کنش‌های گروهی، اعتماد به‌منزله یک مکانیسم اجتماعی با کارکردهای متعدد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و روان‌شناسی خود نقش مهمی را در این زمینه ایفا می‌کند. در واقع زندگی انسان بدون احساس اعتماد به‌خود، اعتماد به آینده و اعتماد به جهان پیرامون خود، همراه با اضطراب و کشمکش تحمل‌ناپذیری است که ممکن است باعث از هم‌پاشیدگی فرد و نابودی وی شود. اعتماد، رشد انسان و شکوفایی استعدادها و توانایی‌های او را تسهیل می‌کند و رابطه او با دیگران و جهان را به رابطه‌ای خلاق و شکوفا تبدیل می‌سازد تا فرد بتواند آرامش، امنیت و آزادی و استقلال را در کنار دیگران و با دیگران تجربه کند.^۱ اعتماد اجتماعی مشارکت را در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی سرعت بخشیده و تمایل افراد را برای همکاری با گروه‌های مختلف جامعه افزایش می‌دهد (حیدرآبادی، ۱۳۸۹: ۲). با عنایت به اینکه اعتماد اجتماعی از کار ویژه‌های اصلی سرمایه اجتماعی است و این سرمایه اجتماعی ویژگی یک جامعه یا گروه است که ظرفیت سازماندهی جمعی و داوطلبانه برای حل مشکلات متقابل یا مسائل عمومی را افزایش می‌دهد (تاجبخش، همان). نوریس در تعریف اعتماد سیاسی به پنج شاخصه پرداخته که عبارتند از: حمایت از اجتماع سیاسی مثل ملت، کشور (حمایت از کشور در زمان جنگ) حمایت از قانون اساسی کشور؛ حمایت از امور اجرایی رژیم مثل دموکراسی، حمایت از نهادهای رژیم مثل حکومت، پارلمان، قوه قضائیه، پلیس، سیستم بوروکراسی، احزاب سیاسی و... حمایت از کارگزاران سیاسی، رؤسای سیاسی. به باور بریتز اعتماد سیاسی شامل سه بعد است: اعتماد به نظام سیاسی، اعتماد به نهادهای سیاسی، و اعتماد به کنش‌گران سیاسی.^۲ مقام معظم رهبری در این باره بیان داشته‌اند که: بخش مهمی از این اعتمادسازی به‌عهده‌ی خود دستگاه‌ها است؛ یعنی خود دولت، خود قوه‌ی قضائیه، خود دستگاه‌های دیگر بایستی رفتارشان، عمل‌شان جوری باشد که جلب اعتماد بکند؛ این بخش به‌عهده‌ی آن‌ها است، اما بخشی هم به‌عهده‌ی من و شما است، بخشی هم به‌عهده‌ی کسانی است که مخاطب دارند؛ کسانی که بلندگو دارند که بایستی در این بلندگوهای رسمی و غیررسمی، حرف‌هایی زده بشود. هیچ

1. Putnam 1993:80

2. Bretzer, 2002:6

دولتی هم بدون کمک و پشتیبانی مردم قادر به کار نیست، نه دولت ما و نه هیچ دولتی در دنیا. ما نباید کاری کنیم که این پشتیبانی و اعتماد مردم نسبت به دستگاه‌های دولتی و دستگاه‌های اجرایی کشور - چه در بخش قضائی، چه در بخش قوه‌ی مجریه و بقیه‌ی بخش‌ها مانند نیروهای مسلح - سلب بشود (دیدارمجلس خبرگان). برابر این فرمایش می‌توان به این نکته پی برد که قوه مجریه، قوه قضائیه، قوه مقننه و نیروهای مسلح از ارکان اصلی تقویت اعتماد مردم به نظام اسلامی می‌باشند علاوه بر این هر فردی که در حکومت اسلامی مخاطبان کثیری دارد با عملکرد مناسب خود می‌تواند اعتماد مردم را افزایش دهد. از مصادیق اعتماد مردم می‌توان به حضور مردم در ادوار مختلف انتخابات اشاره نمود که همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد حضور مردم در طی این ۴ دهه حضور مناسبی بوده است. مقام معظم رهبری در این باره فرموده‌اند: این کار (انتخابات) اعتماد به نظام بود اظهار اعتماد به نظام اسلامی بود که به این صندوقی که نظام جمهوری اسلامی آن‌جا گذاشته بود اعتماد کردند و به این حرکت عظیمی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی مقرر شده است اعتماد کردند و برای انتخاب مسئول اجرایی کشور وارد عرصه و صحنه شدند؛ این خیلی مهم است (بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۶). بررسی سخنان معظم‌له نشان می‌دهد یکی از اصلی‌ترین مصادیق اعتماد مردم به جمهوری اسلامی ایران همین حضور مردم در انتخابات می‌باشد که علاوه بر اعتماد موجب اعتبار نظام اسلامی شده است.

در یک پژوهش که در سال ۱۳۸۷ با عنوان «فراتحلیل مطالعات سرمایه اجتماعی» در ایران صورت پذیرفته است نتایج تحقیق از ۶۲ عنوان پژوهش مرتبط با این موضوع نشان می‌دهد که در حوزه‌های گوناگون در کشور ما میزان اعتماد یکسان نیست لکن میزان اعتماد به خانواده و نظام سیاسی بالاست و میزان اعتماد به نهادهای سیاسی متوسط و میزان اعتماد به کنش‌گران سیاسی پایین بوده است (محسنی تبریزی، ۱۳۹۰: ۵).

در سال ۲۰۱۷ میلادی، برنامه توسعه سازمان ملل در بخشی از گزارش جدید به بررسی میزان رضایت شهروندان ۱۸۹ کشور جهان از زندگی پرداخته که یکی از شاخص‌های مورد بررسی، رضایت از زندگی است هر چه نمره کشوری بیشتر باشد دلالت بر رضایت بیشتر شهروندان از زندگی خود دارد. براساس آمارهای ۲۰۱۷، ایران در شاخص رضایت از زندگی

نمره ۴/۷ را به‌دست آورده و رتبه ۱۰۳ را در جهان به خود اختصاص داده و ۵ کشور با ایران هم‌رتبه هستند. در این نظرسنجی ۶۳ درصد از شهروندان ایرانی از سطح زندگی ابراز رضایت کرده‌اند. هم‌چنین ۵۷ درصد از کیفیت خدمات بهداشتی و ۵۰ درصد از کیفیت آموزش راضی بوده‌اند. ۴۸ درصد نیز از برنامه‌های دولت پیرامون حفاظت از محیط‌زیست ابراز رضایت کرده‌اند.

براساس این گزارش، ۶۷ درصد زنان و ۸۱ درصد مردان احساس امنیت می‌کنند و ۷۰ درصد زنان و ۶۴ درصد مردان احساس آزادی در انتخاب را دارند. ۵۷ درصد مردم به دستگاه قضایی اطمینان دارند. میزان اعتماد شهروندان به دولت وقت ۷۱ درصد اعلام شده است.

۴- سرمایه اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور:

جمهوری اسلامی ایران با توجه به آرمان‌های جهان‌شمولی آن، دارای سرمایه اجتماعی در خارج از کشور نیز می‌باشد که در نوع خود منحصر به فرد می‌باشد:

الف. در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران محبوبیت حضرت امام خمینی (ره) و آرمان‌های مطرح‌شده توسط ایشان باعث گردید تا خیل عظیمی از مردم در کشورهای آسیایی و آفریقایی به‌خصوص مستضعفین جهان، شیفته اندیشه‌های ایشان شوند. بنابراین در همین دهه شاهد جنبش‌ها و نهضت‌های ضداستعماری با الهام از انقلاب اسلامی می‌باشیم هر چند این جنبش‌ها به‌نحو شدیدی سرکوب گردید لکن حاکی از این نکته بود که انقلاب اسلامی ایران در بیرون از مرزهای خود دارای طرفدارانی می‌باشد. به موازات پیروزی انقلاب اسلامی در فوریه ۱۹۷۹ نیز شاهد رشد اسلام‌گرایی در کشورهای مختلف جهان می‌باشیم.

ب. می‌توان گفت بیشترین رشد طرفداران انقلاب اسلامی در میان کشورهای اسلامی به‌خصوص کشورهای همسایه باشد که نمونه بارز آن لبنان و عراق می‌باشد. در کشور لبنان شیعیان آن با الگوگیری از امام خمینی (ره) دو حزب امل و حزب‌الله را پایه‌گذاری نمودند و تاکنون نیز طیف قابل توجهی از مردم لبنان از جمهوری اسلامی ایران الگوپذیری نموده‌اند. کشور دیگری که از منظر سرمایه اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در خارج از مرزها اهمیت به‌سزایی دارد عراق است. شیعیان عراقی، اکثریت شیعه ایران را به‌عنوان یک حامی سیاسی و وزنه‌ای در مقابل فرمانروایان سنی بغداد نگاه می‌کردند؛ به‌این ترتیب نفوذ ایران عامل مهمی در

تحول ایدئولوژیک و سازمانی پیکارجویی شیعی عراق به شمار می‌آید (دکمجیان: ۱۳۸۳، ۲۲۹). پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به تبعیت از انقلاب اسلامی تحرکات زیادی در این کشور رخ داد لکن به علت وجود دیکتاتوری صدام و سرکوب‌های بسیار وحشتناکی که از شیعیان انجام شد تلاش گردید تا هرگونه مخالفتی با رژیم بعثی در نطفه خاموش گردد لکن حقیقت آن است که این کشور یکی از کانون‌های مهم از منظر سرمایه اجتماعی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌گردد. تشکیل «حزب دعوه الاسلامیه» یکی از مصادیق آن می‌باشد مهم‌تر از آن نیز همکاری تعداد قابل توجهی از مردم شریف عراق در جبهه‌های جنگ با طرف ایرانی تحت‌عنوان «لشکر بدر» است که در یک صف جنگیدند و تعداد زیادی شهید تقدیم انقلاب نمودند. گروه‌های متعددی به‌عنوان نماینده مقاومت شیعی در برابر قدرت بعثی به وجود آمدند که اکثر آن‌ها تماس‌هایی با ایران داشته‌اند که پیش‌روترین آن‌ها حزب الدعوه می‌باشد که هسته‌محوری مقاومت شیعه به حساب می‌آید. نقش شهید آیت‌الله محمدباقر صدر در این زمینه حائز اهمیت است. نقش برجسته و برتر آیت‌الله صدر به‌عنوان رهبر فکری و معنوی و الهام‌بخش شیعیان عراق غیرقابل تردید است. نوشته‌های درخشان او و نیز شهامت و درستکاری‌اش او را به سرچشمه حیاتی فعال‌گرایی شیعه عراق تبدیل کرد. نقش نسبتاً ناشناخته محمدباقر صدر به‌عنوان یکی از پدرخوانده‌های فکری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به همان اندازه اهمیت دارد (همان، ۲۳۲). پس از آن نیز مردم عراق در انتفاضه شعبانیه ۱۹۹۰ میلادی تلاش نمودند تا با الگوگیری از انقلاب اسلامی، حکومت بعثی عراق را سرنگون کنند که در آستانه این پیروزی با حمایت مستقیم رژیم تروریستی آمریکا از صدام، ناگهان در طی مدت کوتاهی همه چیز به نفع رژیم بعثی صدام تغییر کرد و انتفاضه شعبانیه با شدت تمام سرکوب شد؛ لکن در سال ۲۰۰۳ میلادی پس از حمله رژیم تروریستی آمریکا به عراق گروه‌های مردمی مجدداً گرد هم آمدند و در هنگام هجوم داعش به عراق تحت‌عنوان حشدالشعبی، با نیروهای ایرانی به دفاع از عراق پرداختند.

کشمیر، پاکستان، افغانستان، عربستان از دیگر کشورهایی هستند که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران، طیف‌ها و گروه‌های زیادی از مردم، اقداماتی در همبستگی با جمهوری اسلامی ایران انجام داده‌اند. شرکت در برگزاری سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن

هر سال، وجود مقلدین امام خمینی (ره) از جمله مصادیق این سرمایه اجتماعی می‌باشد. البته پرواضح است که در طی این ۴ دهه حکومت‌های مستقر در این کشورها اقدامات سرکوب‌گرانه بسیار متعددی را انجام داده‌اند تا طرفداران و دوست‌داران انقلاب اسلامی نتوانند حضور خود را در این کشورها نشان دهند. اعدام، زندان، شکنجه از جمله روش‌هایی است که تاکنون در عربستان، پاکستان، بحرین، افغانستان بر ضد دوست‌داران انقلاب اسلامی انجام شده است. البته در کنار این اقدامات امپراطوری گسترده رسانه‌ای غرب نیز به شدت سعی در بایکوت و سانسور خبری این افراد نموده‌اند که این نکته نمی‌بایست مورد غفلت واقع شود و این سرمایه اجتماعی مهم مورد فراموشی قرار گیرد.

۵. راهکارهای افزایش سرمایه اجتماعی:

سرمایه اجتماعی از جمله عرصه‌های مهمی است که جمهوری اسلامی باید در تقویت آن بکوشد چرا که در غیراین صورت نخواهد توانست در برابر مشکلات موجود در زمینه اجتماعی و حتی موانع توسعه‌یافتگی، موفق شود؛ زیرا کشورهای معاند با ایران تلاش وافر می‌کنند تا با کاهش سرمایه اجتماعی در ایران، پایگاه اجتماعی حکومت را تضعیف نموده و بدین وسیله زمینه را برای تغییر نوع حکومت مهیا نمایند؛ البته باید خاطر نشان نمود که در طول ۴ دهه گذشته کشورهای متخاصم با جمهوری اسلامی ایران اقدامات متعددی را در جهت کاهش سرمایه اجتماعی در کشورمان انجام داده‌اند؛ اختصاص بودجه‌های چند میلیارد دلاری ایالات متحده آمریکا، رژیم صهیونیستی عربستان سعودی در جنگ رسانه‌ای و کودتا در ایران نمونه‌ای بارز در این زمینه می‌باشد.

الف. افزایش کارآمدی: هر حکومتی که بتواند نیازهای اصلی مردم را بیشتر برآورده نماید بیشتر می‌تواند سرمایه اجتماعی کشور را تقویت کند. بالعکس اگر حکومتی نتواند نیازهای معیشتی مردم را برآورده کند سرمایه اجتماعی آن رو به کاهش خواهد گذاشت.

ب. مقابله با فساد: در هر کشوری نهادها و ارگان‌های وابسته به حکومت وجود دارد که امکان فساد اقتصادی در آن متصور می‌باشد در صورت فراگیر شدن فساد در لایه‌های مختلف قدرت، بی‌عدالتی گسترش می‌یابد و دسترسی عادلانه مردم به منافع‌شان دچار مشکل می‌شود. لذا در این شرایط تنها راهکاری که باعث می‌شود تا سرمایه اجتماعی مصون بماند مبارزه جدی

و قاطعانه با فساد می‌باشد.

ج. مشارکت جویی: دولت باید تلاش نماید تا بستری را فراهم نماید تا زمینه مشارکت مردم در قدرت فراهم شود. این امر باعث علاقه‌مندی مردم به حاکمیت می‌گردد و در نتیجه مردم احساس می‌کنند حکومت متعلق به خودشان می‌باشد. بنابراین در پیشامدها و بحران‌های ملی از آن حمایت می‌کنند.

د. قدردانی: قدرت سیاسی موظف است نسبت به نیروهای انسانی قدردان باشد و بدین ترتیب تمام نیروهای وفاداری را که در بحران‌ها، مسئولیت اصلی را به دوش می‌گیرند برای خود نگه‌دارد. این قدردانی اولاً باعث حفظ آن‌ها می‌شود و مانع از هدر رفت آن‌ها می‌شود و دیگر آنکه جامعه را ترغیب نموده و آگاه می‌نماید که در صورت فداکاری و حضور مؤثر، مورد بی‌مهری قرار نخواهند گرفت (ردادی، همان، ۲۰).

۶- عوامل تهدیدکننده سرمایه اجتماعی:

سرمایه اجتماعی در عین حال که عوامل تقویت‌کننده‌ای دارد، عوامل تهدیدکننده‌ای دارد که در هر کشوری می‌تواند بسته به شرایط آن متفاوت باشد. در جمهوری اسلامی ایران نیز علل و عواملی به شرح ذیل، تهدیدکننده سرمایه اجتماعی است که باید به صورت جدی مورد بررسی قرار گیرد؛ بدیهی است کاهش سرمایه اجتماعی در کشور می‌تواند منجر به کاهش قدرت نرم گردد.

اول. ناامیدی و یأس: در صورتی که مردم نسبت به کارآمدی حضور خود در انتخابات‌های ریاست جمهوری، مجلس و شورای شهر تردید نمایند و یا نسبت به عملکرد نمایندگان انتخابی خود ناراضی باشند به تدریج مشارکت اجتماعی کاهش می‌یابد.

دوم. مشکلات اقتصادی: یکی از عوامل مهمی که بر مشارکت و همبستگی اجتماعی تأثیر منفی می‌گذارد مشکلات اقتصادی و معیشتی است. در حدیثی از امام صادق (ع) نیز نقل شده است که چه بسا فقر موجب کفر گردد (اصول کافی، ج ۳). در نتیجه، حدود ۴ دهه گذشته ایالات متحده آمریکا به بهانه‌های مختلف سعی در تحریم‌های گسترده اقتصادی جمهوری اسلامی ایران داشته است. این تحریم‌ها ابتدا در سال ۱۹۹۴ با عنوان قانون «داماتو» در سنای آمریکا تصویب شد تا با اعمال تحریم‌ها ضمن کاهش شدید سرمایه اجتماعی در جمهوری

اسلامی ایران، زمینه را برای تغییر حکومت ایجاد نماید^۱ که تاکنون نتوانسته است موفقیتی را کسب نماید و حتی در مواردی منجر به مصونیت ایران در برابر تحریم‌ها شده است. در حال حاضر تحریم جمهوری اسلامی ایران در حوزه نفت و گاز و سیمان بی‌فایده بوده است. ریچارد نفیو در مورد شکست استراتژی تحریمی آمریکا علیه ایران این‌گونه می‌نویسد: آمریکایی‌ها بعد از اعمال تحریم‌های فعال بین سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۳ دریافتند علاوه بر نفت و گاز، صنایعی چون پتروشیمی، خودروسازی و کالاهای مصرفی بیشترین آسیب را از تحریم می‌بینند. بر این اساس، در تحریم‌های سال ۲۰۱۰ بخش پتروشیمی ایران و از جمله واردات بنزین به ایران تحت تحریم قرار گرفت اما این استراتژی به‌زودی شکست خورد، زیرا ایرانی‌ها با بهینه‌سازی مصرف سوخت که منجر به کاهش مصرف شد و همچنین تولید سوخت بنزین و گازوئیل در پالایشگاه‌های خود، موفق شدند استراتژی تحریم پتروشیمی و بنزین را دور بزنند. این تحریم‌ها منجر به توسعه بخش‌های غیرنفتی ایران به‌ویژه بخش سیمان شده است. از همین‌رو دولت از برخی آثار دفعی تحریم‌های نفتی مصونیت پیدا کرد، زیرا دولت تلاش کرد فرصت‌های جدیدی را در بازار برای محصولات تحریم‌نشده خود پیدا کند. در واقع ایران توانست حضور خود و کالاهای غیرنفتی‌اش در این بازارها را به‌صورت مستقیم بر اثر تحریم‌ها افزایش دهد؛ یعنی تحریم‌هایی که توانایی این کشور برای صادرات یک کالا را محدود کرده بود به توسعه توانایی ایران در کالاهای دیگر انجامید. پس این‌جا بالاتر از نشان دادن استقامت، ایران توانسته بود از هجمه تحریم‌ها نیز عبور کند (نفیور، ۱۳۹۷).

سوم. تبلیغات رسانه‌ای: تقریباً از سال ۱۹۴۰ میلادی، هالیوود به این نکته پی برد که با ابزار فیلم می‌تواند در سیاست دخالت کند پس از آن نیز با گسترش تلویزیون و رادیو در سراسر جهان، این دو به ابزاری برای تحت‌تأثیر قرار دادن افکار توده‌های مردم کشورها به‌کار گرفته شد با به‌کارگیری شبکه‌های ماهواره‌ای این موضوع ابعاد گسترده‌تری یافت و با فراگیر شدن اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در سراسر جهان، امروزه بخشی قابل‌توجهی از افکار عمومی توسط کشورهای مدیریتی می‌شود که بر فضای رسانه‌های عمومی هیمنه بیشتری داشته باشند. رسانه‌های عمومی این قدرت را دارند که حقیقت را به هر نحو که بخواهند جلوه دهند و با

1. <http://fpc.state.gov/documents/organization/66441>

ایجاد اخبار کاذب، موجی از افکار عمومی موافق یا مخالف را در یک کشور سازماندهی نمایند. اطلاع‌رسانی و انتشار اخبار در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی با کمترین فاصله زمانی، بدون محدودیت‌های رسانه‌های رسمی و توسط افراد با هویت پنهان باعث جذابیت این مبحث بسیار مهم برای مخاطبان شده است که آسیب‌های زیادی به مقوله خبررسانی وارد کرده و این عرصه را در مقاطع حساس به هرج و مرج می‌کشاند. «هلوی» در ارتباط با این مسأله چنین می‌گوید: بدون حمایت رسانه‌های خارجی غیرممکن است سازمان دهندگان جنگ نرم بتوانند در مأموریت خود توفیق یابند. اطلاع و حمایت گسترده از مبارزه (تهاجم) به دیگر کوشش‌ها در کسب حمایت بین‌المللی، تحرک و یاری می‌دهد (هلوی، ۱۳۸۶: ۱۴۵). خبرگزاری‌ها از عمده‌ترین ابزارهای جنگ نرم محسوب می‌شود خبرگزاری‌ها هر روز با تولید میلیون‌ها کلمه خبر و مخابره آن با پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌های ارتباطی، فرآیند اطلاع‌رسانی جهانی را تحت سیطره و کنترل خود دارند. آن‌ها می‌توانند با سانسور یک خبر یا دادن پوشش وسیع به یک رویداد، افکار عمومی جهانی را له یا علیه آن مسأله برانگیزانند (ساجدی، ۱۳۸۸: ۱۵۰). اهمیت خبرگزاری‌ها زمانی آشکارتر می‌شود که بدانیم اکثر مطبوعات، خبرگزاری‌های ملی و منطقه‌ای و شبکه‌های رادیو و تلویزیونی، اخبار و اطلاعات خود را از این آژانس‌های خبری دریافت می‌کنند.

بررسی سوابق این موضوع در جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که از بدو پیروزی انقلاب اسلامی، آمریکا، انگلستان و رژیم صهیونیستی تلاش وافر را انجام دادند تا از طریق رادیوهای خود تبلیغات منفی علیه سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران آغاز نمایند تا بدین وسیله اعتماد مردم را نسبت به انقلاب اسلامی کاهش دهند در دهه ۷۰ نیز شبکه‌های معاند ماهواره‌ای اقدامات منفی خود علیه انقلاب اسلامی را آغاز نمودند. با توجه به ممنوعیت استفاده از ماهواره به تدریج شبکه‌های معاند اینترنتی نیز با رویکرد ایجاد شبهه و تشکیک در آرمان‌های انقلاب اسلامی به میدان آمدند. به‌طور کلی شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی در موضوعاتی چون مسائل سیاسی، اخلاقی و حتی ترویج عرفان‌های کاذب بر علیه افکار و اعتقادات انقلابی مردم اقدام می‌نمایند. در سال‌های اخیر نیز عربستان سعودی با صرف هزینه‌های سیار هنگفت وارد عمل شده است و همزمان به ترویج وهابیت و سلفی‌گری در

ایران می‌پردازد تا بلکه بتواند پشتوانه مردمی در جمهوری اسلامی ایران را تضعیف نماید. نقش این شبکه‌ها در بحران‌هایی چون اغتشاشات سال ۱۳۸۸ کاملاً مشهود بود. انعکاس خبر وقوع تجمعات صنفی و اعتراضی مالباختگان مؤسسات مالی، طرح اجرای سهمیه‌بندی بنزین در آبان ۱۳۹۸، با شیوه‌ای خاص همراه با اغراق و بزرگنمایی توسط رسانه‌های معاند، زمینه‌ساز فراهم شدن اغتشاشات و آشوب‌هایی در سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ گردید. در حال حاضر رسانه‌های عمومی از طریق توئیتر، فیس‌بوک، اینستاگرام در حال پخش شایعه‌پراکنی و دامن زدن به اختلافات قومیتی در کشور ایران می‌باشند. بنابراین می‌توان گفت کشورهای معاند جمهوری اسلامی ایران امید زیادی دارند تا از این طریق سرمایه اجتماعی در ایران را به‌طور جدی کاهش دهند.

نتیجه‌گیری

سرمایه اجتماعی از جمله مفاهیمی است که در دهه‌های اخیر مطرح شده است. اندیشمندان علوم اجتماعی که در ابتدا به این موضوع پرداخته‌اند می‌توان به کارل مارکس، ماکس وبر، دورکهایم و دوتوکویل اشاره نمود. اصطلاح سرمایه اجتماعی اولین بار در اثر کلاسیک «جین جاکوب» با نام مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی در سال ۱۹۶۱ به‌کار رفته است این اصطلاح به تدریج در دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی توسط جامعه‌شناسان مانند جیمز کلنن، پیربورديو، و رابرت پاتنام در جهت بیان مشکلات اجتماعی به‌کار برده شد و بعضی اندیشمندان سیاسی و اقتصادی نیز از آن در مسائل و موضوعات مربوط استفاده نموده‌اند. سرمایه اجتماعی به‌طور خلاصه در شاخص‌های زیر تجلی می‌یابد: وفاداری، اعتماد، روابط شبکه‌ای، اقتدار فردی، هویت سازمانی، عمل متقابل، هنجارهای اجتماعی، اعتبار. استفاده از مفهوم سرمایه اجتماعی با توجه به روند جهانی شدن و تضعیف نقش دولت‌های ملی، به راه‌حلی عملی در سطح اجتماعات محلی برای مشکلات توسعه، مورد توجه سیاست‌گذاران و مسئولان سیاست اجتماعی قرار گرفته است. با توجه به بررسی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و تأثیر آن در پیش‌برد توسعه کشور، جمهوری اسلامی ایران نیز دارای عناصر سرمایه اجتماعی می‌باشد که طی ۴ دهه در بحران‌های اجتماعی در عرصه‌های مختلف ایفای نقش نموده و نقش به‌سزایی در خروج از بحران‌ها داشته است. از دیگر موضوعاتی که در دهه‌های اخیر در مبحث قدرت مطرح گردیده است موضوع قدرت نرم می‌باشد. قدرت نرم دارای منابعی می‌باشد که این منابع در تقویت آن،

نقش مهمی را ایفا می‌نماید یکی از این منابع سرمایه اجتماعی شامل اعتماد، همبستگی اجتماعی، مشارکت اجتماعی می‌باشد بدیهی است کشوری که فاقد این عناصر مذکور باشد به هیچ‌وجه نمی‌تواند دارای قدرت نرم مناسبی باشد. در طی ۴ دهه گذشته جمهوری اسلامی ایران از نظر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مانند مشارکت اجتماعی، اعتماد و همبستگی وضعیت مطلوبی داشته است. بررسی مشارکت مردم در طی ۴ دهه در زمینه انتخابات ریاست جمهوری، مجلس نمایندگان و حضور در راهپیمایی‌های مختلف حاکی از مشارکت اجتماعی مردم می‌باشد. پیرامون همبستگی اجتماعی و اعتماد نیز می‌توان به وقوع بحران‌هایی مانند جنگ تحمیلی ۸ ساله و زلزله و سیل اشاره نمود که با همبستگی آحاد مردم و نقش آنان، این بحران‌ها در کوتاه‌ترین زمان به پایان رسیده است در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته نه تنها چنین همبستگی‌هایی وجود ندارد بلکه دولت به‌تنهایی خود را در برابر این‌گونه بحران‌ها می‌بیند. بدیهی است سرمایه اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران برای ادامه مسیر خود و افزایش آن شرایطی دارد که در صورت فقدان آن این سرمایه کاهش می‌یابد علاوه بر آن به دلیل وضعیت خاص جمهوری اسلامی ایران کشورهایی مانند آمریکا و هم‌پیمانانش تلاش‌های وافر را ایفا می‌نمایند تا سرمایه اجتماعی به‌خصوص مشارکت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران به حداقل برسد ایجاد اختلافات قومی مذهبی، ترویج شایعات و تشکیک در آرمان‌های اسلامی از جمله اقداماتی است که توسط رسانه‌های کشورهای معاند با هدف کاهش سرمایه اجتماعی در کشور صورت می‌پذیرد که می‌بایست نهادهای فرهنگی جهت دفع این هجمه، اقدامات اساسی را مدنظر قرار دهند.

منابع

- آدمی، علی (۱۳۹۶)، جایگاه سرمایه اجتماعی در بستر قدرت نرم با تأکید بر آراء امام خمینی (ره)، فصل‌نامه مطالعات قدرت نرم، شماره ۱۶
- آشنا، حسام‌الدین (۱۳۹۰)، درآمدی بر قدرت هوشمند، مطالعاتی برای جمهوری اسلامی ایران، تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- ازکیا، مصطفی، غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰)، بررسی رابطه بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی سازمان‌یافته روستاییان در نواحی روستائی کاشان، فصل‌نامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۳۶

- الیاسی، محمدحسین (۱۳۸۸)، ماهیت و عناصر قدرت نرم، در: مجموعه مقالات قدرت و جنگ نرم، به کوشش حجت‌اله مرادی، تهران: نشر ساق
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، تهران: نشر شیرازه
- تهدیدات قدرت ملی شاخص‌ها و ابعاد (۱۳۸۷)، گروه مطالعات امنیتی، انتشارات دانشگاه دفاع و امنیت ملی
- حیدرآبادی، ابوالقاسم (۱۳۸۹)، اعتماد اجتماعی و عوامل اجتماعی فرهنگی مؤثر بر آن، فصل‌نامه جامعه‌شناسی جوانان، شماره ۱
- خدایی، ابراهیم، مبارکی، محمد (۱۳۸۷)، سرمایه اجتماعی و هویت، فصل‌نامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۱۶
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، صحیفه نور، ج ۱۹، تهران: عروج، ص ۳۶
- دکم‌جیان، هرایر (۱۳۸۳)، جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب، مترجم، حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان، چاپ چهارم
- ردادی، محسن (۱۳۸۹)، منابع قدرت نرم، سرمایه اجتماعی در اسلام، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)
- روشه، گی (۱۳۷۰)، تغییرات ساختار اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نشر نی
- ساجدی، سعید (۱۳۸۸)، اصول و مبانی جنگ نرم، تهران: معاونت پژوهشی دانشکده اطلاعات
- قربانی شیخ نشین، ارسلان (۱۳۹۰)، قابلیت‌های سرمایه اجتماعی در شکل‌دهی به قدرت نرم، فصل‌نامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۲۷
- کلاهچیان، محمود (۱۳۸۷)، بررسی و نقد قدرت نرم در گفتمان غربی، مقالات برگزیده بسیج و قدرت نرم، تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج، دانشگاه امام صادق (ع)
- محسنی تبریزی، علیرضا، معیدفر، سعید گلایی، فاطمه (۱۳۹۰)، بررسی اعتماد اجتماعی با نگاهی نسلی به جامعه، فصل‌نامه جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۲۲
- نفیور، ریچارد (۱۳۹۷)، هنر تحریم‌ها، تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
- نعمت‌الهی، زهرا، فرج‌اللهی، امیرحمزه (۱۳۹۲)، بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی (اعتماد، انسجام، و مشارکت اجتماعی)، فصل‌نامه علمی پژوهشی مدیریت نظامی، شماره ۵۰
- نوری، مختار (۱۳۹۲)، تأثیر سرمایه اجتماعی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، فصل‌نامه پژوهشی انقلاب اسلامی، شماره ۶
- هلوی، رابرت (۱۳۸۶)، جنگ استراتژیک نرم، به اهتمام: حسین عبداللهی، تهران: معاونت طرح و بررسی‌های استراتژیک، دفتر بررسی‌های امنیتی
- Beretzter, Noreen, (2002), How can Institution better Explain political trust than capital Do, PHD Thesis, university of Gothenburg, Sweden.
- Mc Gonigal J (2007) "social capital inclusion and changing school: A Scottish perspective, British journal of educational studies, 55
- Putnam, Robert. (1993) Mjaking Democracy Work civic traditions in Modern Italy. Princeton University press



The Rule of Social Capital to Increase Soft Power of Islamic Republic of Iran

Mostafa Reza Nia*

Social capital is one of the most important features of any community development. This concept was first used by Jean - Jacob's classics in 1961. And since the 1990 s, there has been an increase in articles by people like James Coleman, Pierre Bourdieu, Robert Putnam, and Francis Fukuyama. Social capital comprises notions such as trust, cooperation and companionship among community members. Social capital is what we have in our relationship with other people like trust ,confidence, beliefs. Social capital relates to well - known sociological variables such as trust, knowledge, concern about others and public issues, participation in public matters and cohesion and teamwork and collaboration. based on Fukuyama thinks social capital is considered one of the elements of power.

At the end of the Cold War, a face of power came out, as soft as power and was first introduced by Joseph Nye. Soft power is the ability to attract people without compulsion. Legitimacy is the pivot of soft power. if a nation legitimate the goals of another country , it will be easier to persuade them to adopt the country 's leadership without the use of threats. legitimacy can reduce the cost of rigid power usage. In the form of soft power, the most effective form is social power. social capital is one of the important issues affecting soft power. given the importance of social capital and its function as well as soft power components it can be said that social capital has a significant role in promoting soft power and increasing it.

Keywords: *Social Capital, Participation, Trust Consistency, Soft Power*

* MA in the Islamic Sciences and Political Sciences, Imam Sadegh University, Tehran, Iran